

متن سخنان نورالله «نورمن» گبای

در گردهمایی دوستان و خویشاوندان

سیزدهم مارچ ۲۰۱۸، نیویورک

به یکایک شما عزیزان که امشب در اینجا گرد آمده اید خوش آمد می‌گویم. پیشاپیش توضیح دهم که آن دسته از حاضرین که با زبان فارسی آشنا نیستند می‌توانند همزمان ترجمه انگلیسی این سخنان را در وبسایت **بابانوری دات کام** بخوانند و بشنوند.

Please note that as of this moment, you may listen to the English version of this speech on your mobiles, at my website, BabaNouri.com.

[SPELL OUT: **B A B A N O U R I DOT COM**]

من امشب به عشق دیدن شما عزیزان، و با آرزوی حفظ پیوندهای اجتماعی و خانوادگی، آمده‌ام تا از دیدن شما انرژی بگیرم و به شهر خود برگردم.

دو نفر مست، نیمه- شبی در یکی از کوچه‌های خلوت محله یهودیان کاشان، با هم زد و خورد می‌کردند. یکی می‌گفت، «این که در آسمان است، ماه است!» ولی دیگری اصرار داشت که «نه! خورشید است!» ناگهان هر دو یقه پیرمردی یهودی را که لرزان و ترسان از کوچه می‌گذشت گرفتند و پرسیدند، «تو بگو! این توپ

گرد ماه است یا خورشید؟!» پیرمرد متوجه می شود که اگر بگوید ماه است از یکی کتک می خورد و اگر بگوید خورشید، از دیگری. پس سری می خاراند، به آسمان نگاهی می کند و می گوید، «والله، من مال این محلّ نیستم!» من هم امشب مال این محلّ نیستم!

در سال ۱۹۵۵ میلادی به مدت ۹ ماه به تنهایی در نیویورک زندگی می کردم. در آن زمان، کسی هرگز تصور نمی کرد که روزی نه چندان دور، در اثر یک چرخش بزرگ سیاسی، گروه کثیری از ایرانیان با مهاجرتی ناخواسته در موقعیت امروز قرار خواهند گرفت. کسی فکرش را نمی کرد که نسلی کاملاً متفاوت با نسل های گذشته، نسلی صدها سال جلوتر از اجداد خود، در خارج از ایران به عرصه خواهد آمد؛ نسلی که اینک با استفاده از امکانات محیط خود، با دنیا همگام گردیده است — چنان که می توان گفت امروز بیش از ۹۰٪ جوانان ما دانشگاه دیده اند.

با این حال، به جرأت می گویم که پیش از اینان، خوشبخت ترین نسل تاریخ یهودیان ایران نسلی بوده است که با طلوع سلسله پهلوی به دنیا آمد؛ نسلی که در دوران شکوفایی کشور، از خدمات ارزشمند رضاشاه و «آلیانس اسرائیلیت» بهره مند گردید؛ و از همه مهمتر، استقلال مجدد کشور اسرائیل، این آرزوی دو هزارساله ملت یهود را که هر سال با وعده «لِ شانه هبا آ ب-یروشالیم» زنده می شد، به چشم خود دید؛ و با غروب روزگار پهلوی از ایران خارج شد، با کوشش فراوان با دنیای آزاد همگام گردید و توانست پیروزی نسل پس از خویش را رهبری کند. اینک آن نسل، این رسالت را بر دوش دارد که تجربیات گران بهای

خود را، در اختیار نسل جوان گذارد. ناگفته نماند که امیدوارم آنها که در ایران مانده‌اند همواره در امنیت و رفاه باشند و به رشد و شکوفایی خویش ادامه دهند.

من یقین دارم که آیندگان از این مهاجرت بزرگ به نوبه خود همچون ماجرای خروج از مصر یاد خواهند کرد. این مهاجرت گسترده صرفاً به معنای کوچ کردن از مکانی به مکان دیگر نبود، بلکه در حقیقت به مفهوم جهشی بزرگ از زمانی به زمان دیگر و رهایی نسل آینده از تبعیض بود.

ایرانی - وارث فرهنگ اهورایی توانست با کسب موفقیت های علمی و اقتصادی، ظرف مدتی کوتاه به دنیا نشان دهد که چنانچه به آب تمیز برسد، شناگر خوبی است؛ و هم او همچنان برای آینده ای بهتر، بیش از پیش به تحصیل ادامه می دهد. هم از این رو، تک تک اعضای جوامع گوناگون، به ویژه یکایک جامعه یهودیان ایرانی، وظیفه داریم که هر یک با قلمی، قدمی یا درمی، در حفظ وابستگی های خانوادگی، این راز پایداری فرهنگ یهود، کوشا باشیم.

انسانها در کوران بحران ها شکوفا می شوند؛ و دست آوردهای مهاجران ایرانی در سراسر دنیا مصداق بارز آن است. مهاجرت بیش از پیش ما را با کمبودهایمان آشنا کرد و با توجه به مقدرات محیط، تحصیل علم را به ما بیش از پیش ارائه داد.

تا آنجا که به یاد دارم، استاد حسن پیرنیا در کتاب «تاریخ ایران باستان» آورده‌اند که جمعیت یهودیان ایران در دوران ساسانیان، یعنی حدود ۱۷۵۰ سال پیش، بیش از دویست هزار نفر بوده است. باید پرسید که آنان چه شدند و کجا رفتند؟ چه بر سر آنان آمد که هرگز جمعیت یهودیان ایران در طول سده های بعد

حتی به یکصد هزار نفر نمی رسید؟ خوشبختانه، در ظرف چهل سال گذشته، جمعیت ما یهودیان ایرانی‌تبار در سراسر جهان به بیش از پانصد هزار نفر بالغ گردیده است که حتی از لحاظ کمیّت، هیچ دوره ای با آن قابل مقایسه نیست؛ و قطعاً این جامعه پراکنده در ۳۰ سال آینده، به جمعیتی یک میلیونی و بسی شکوفاتر از امروز خواهد رسید.

آشکار است که رسیدن به چنان موفقیتی و حفظ آن، نیازمند آن است که از همینک پیش بینی های لازم انجام گیرند. ما باید پیش از طغیان آبها پلی بسازیم، و پیش از جاری شدن سیل، سد ها را بنا کنیم. بالاتر از هر چیز، باید با هم باشیم تا در مسیر پر تلاطم زندگی، موج ها را تاب بیاوریم و زیر ضربه دگرگونی های حتمی دنیا متلاشی نشویم.

هر فرد یهودی ملزم است که جمله «کُل ییسرائل عرویم زه لا زه» را درک کند. «همه یهودیان در هم ادغام شده اند و در قبال یکدیگر مسئولیت دارند.»

ملت یهود آن قدر به زمین خورده و استخوانش شکسته است که می فهمد برای برخاستن نه دستی از برون، بلکه اراده و قدرتی از درون خود ملت لازم دارد؛ و به همین دلیل است که باید متکی به خود باشد. ببینیم بازده قرنها عدم وجود استقلال اسرائیل چه بوده تا به لزوم بی پایان آن پی ببریم.

فراموش نکنیم که در ایام مهاجرت ناگهانی سال های دهه ۱۹۸۰، اگر درایت و سرپرستی دولت اسرائیل و سازمانهای مذهبی و اجتماعی ما در میان نبود، بعید بود که ما به سرافرازی های امروز خود دست یابیم. راز موفقیت ما در پیوندها و دلبستگی های خانوادگی و اجتماعی ما است. یهودیت تنها دین مشترک ما نیست.

یهودیت در معنای وسیع خود، سرنوشت مشترک یک ملت است. وابستگی‌های خانوادگی مان را قدر بدانیم. به خاطر داشته باشیم که عدم وابستگی خانوادگی بی‌سرپرست و فرزندان بدون مربی یکی از عواملی است که اینک دنیا را به خطر انداخته است.

هم از این رو، اشاره می‌کنم که زمان آن رسیده است که رهبران و نمایندگان اجتماعات یهودیان ایرانی‌تبار در سراسر جهان، در کنگره ای فراگیر گرد آیند، گفتگو کنند، مسائل خود را در میان گذارند، چاره‌جویی کنند و برای آینده این جامعه کوچک اما منحصر به فرد، خردمندانه و با هماهنگی برنامه ریزی کنند. من در ماه‌های اخیر، پیشنهاد این طرح را با منتخبی از فعالان جامعه در میان گذاشته‌ام؛ و امیدوارم که در آینده ای نزدیک شاهد تحقق آن باشیم.

ربای درشوویتس، ربای سابق «کنیسای ساینای» در لس آنجلس، در یکی از سخنرانی‌های هفتگی خود گفت، «ما آمریکایی‌ها باید وابستگی خانوادگی را از ایرانی‌ها یاد بگیریم؛ و ایرانی‌ها باید از ما وقت‌شناسی را بیاموزند!» سخن را کوتاه می‌کنم تا فرصتی برای پرسش و پاسخ باقی بماند؛ جدا از آن که به زودی مجموعه ای دیگر از درد دل‌های من در سالهای اخیر در کتابی با عنوان «همگام با زمان»، Be Up to Date، به زبان‌های فارسی و انگلیسی منتشر خواهد شد؛ و در اینجا نیازی به تکرار آنها نمی‌بینم.

در پایان، برای من موجب افتخار است که میزبان شما عزیزان، از جمله آقایان یوسف شاهی، الیاس کلیمیان، صیون ماهفر، دکتر همایون آرام و ربای یدیدیا اذراحیان هستم — انساندوستانی که با هر آنچه در توان داشته‌اند، دست به دست

دوستان و یارانشان، سالیان دراز است که به جامعه خدمت می کنند. امیدوارم که اینان سرمشقی برای جوانان نسل آینده باشند.

برایتان شبی خوش آرزو دارم. کامیاب باشید.

نورالله «نورمن» گبای،

سیزدهم مارچ ۲۰۱۸، نیویورک

پرسش و پاسخ...